

سیر تحریفات در نقل واقعه عاشورا



آیا سیر تحریفات در نقل واقعه عاشورا سیری روبه رشد می‌باشد یا سیری نزولی است ؟

پیش از پاسخ به این سؤال لازم است ماهیت تحریف را بشناسیم و ببینیم تحریف در چه مواردی واقع می‌شود .

تحریف به معنای ایجاد انحراف در واقعیت و حقیقت مطلبی می‌باشد . گاهی انحراف در شکل و صورت واقعه‌ای اتفاق می‌افتد و گاهی در محتوا و مفاهیم آن واقعه ، تحریف کنندگان هم به دو گروه دوست و دشمن تقسیم می‌شوند ، که البته این افراد به خاطر عوامل مختلفی از جمله جهل ، عناد و لجاجت واقعیات را منحرف می‌کنند .

طبق برداشتی که از آیات قرآن به دست می‌آید معمولاً تحریف کنندگان واقعیت و حقیقت مطلب را تعقل می‌کنند ولی باز از روی عناد و لجاجت دچار انحراف می‌شوند .

خداوند متعال در آیه 57 سوره بقره می‌فرماید :

«بِسْمْعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ» .

عده‌ای از آنان سخنان خدا را می‌شنیدند و پس از فهمیدن ، آن را تحریف می‌کردند . در حالی که علم و اطلاع داشتند .

در نقل ماجرای عاشورا هر دنوع تحریف دیده می‌شود ولی اهمیت انحراف محتوایی از انحراف ظاهری بیشتر می‌باشد .

در میان علمای گذشته مرحوم میرزا حسین نوری قدس‌سره به گوشه‌ای از تحریفات واقع شده در ماجرای عاشورا اشاره نموده است ، که البته با بعضی از این تحریفات باید به صورت جدی برخورد کرد و بعضی جای مناقشه دارد و از مطالب اختلافی می‌باشد .

در سالهای اخیر شهید مطهری فعالیت جدی‌ای را در زمینه حریفات در ماجرای عاشورا آغاز نمودند و مردم را به صورت جدی از تحریفات ظاهری و شکلی برحذر داشتند ولی به نظر می‌رسد این

مطالب دارای حساسیت فوق العاده‌ای نمی‌باشد .

شهید مطهری برای روشن شدن مطلب به نقل برخی از این تحریفات پرداختند .

نمونه اول :

یکی از تحریفات داستانی است که بعضی از مقاتل مطرح می‌کنند و آن اینکه : روزی امیرالمؤمنین علیه‌السلام روی منبر مشغول سخنرانی بودند ، امام حسین علیه‌السلام که در مجلس حضور داشتند درخواست آب کردند در این لحظه حضرت عباس علیه‌السلام به دنبال آب رفتند و برای امام حسین علیه‌السلام آب تهیه کرده و خدمت ایشان آوردند . امیرالمؤمنین علیه‌السلام بامشاهده چنین صحنه‌ای به یاد مصائب کربلا و روز عاشورا به گریه افتادند .

شهید مطهری برای بیان تحریف این داستان دلالی را مطرح می‌کند ؛ از جمله اینکه منبر رفتن امیرالمؤمنین علیه‌السلام در زمانی بود که به حکومت رسیده بودند و در این زمان سنّ امام حسین علیه‌السلام بالای 30 سال بود و بعید است که مردی با این سن و سال آن هم در پای منبر امیرالمؤمنین علیه‌السلام درخواست آب نماید . نقدی برکلام شهید مطهری وارد است و آن اینکه از نظر عرف چنین چیزی محال به نظر می‌رسد ولی این داستان به هرجهت نقل شده است ، یا جعل شده یا واقعیت دارد و در هر صورت نقل این گونه داستان‌ها تحریف اساسی به شمار نمی‌رود .

نمونه دوم :

بعضی از مقاتل وصیّت کاروان و محمل‌ها را هنگام حرکت از مکه چنین تشریح می‌کنند : محمل‌ها به انواع زیور آلات مزین شده بود و پوشش آن‌ها از حریر ، دیبا و ... بود و با احترام فوق‌العاده‌ای کاروان به حرکت افتاد .

شهید مطهری در مقابل این سخن موضوع تنّدی اتخاذ می‌کند و آن را بعید می‌داند زیرا حرکت کاروان سیدالشهداء علیه‌السلام شبانه بوده و به صورت مخفیانه انجام گرفت . (خانقا پتربق ، ترسان و در انتظار حادثه‌ای بودند) . سخنی که در اینجا به نظر می‌رسد این است که به هرجهت محمل‌ها دارای پوشش بوده و قطعاً بدون پوشش نمی‌باشد ولی اینکه پوشش چه بوده آیا از پارچه‌های معمولی یا پارچه‌های گران قیمت خیلی مهم نیست و این گونه سخنان تحریف آن چنانی در واقعیت قضیه ایجاد نمی‌کند .

نمونه سوم :

سخنی است که مورد اختلاف مقاتل واقع شده و آن اینکه آیا لیلا ؛ مادر حضرت علی اکبر علیه‌السلام در صحنه کربلا حضور داشته یا نه ؟ به نظر می‌رسد از بین بردن فرصت و زمان برای بدست آوردن واقعیت چنین سخنانی مورد تحسین نمی‌باشد .

نمونه چهارم :

داستان عروسی حضرت قاسم علیه‌السلام می‌باشد ، که شهید مطهری با حدیثی با این گونه سخنان برخورد می‌کند .

ولی به نظر ما در مورد این قضیه از دو طرف (نافی و مثبت) افراط صورت گرفته است . این موضوع در کتبی مانند روضة الشهداء ، منتخب طریحی ، اسرار الشهداء و معالی السیطین نقل شده است و ماجرا چنین است . در شب عاشورا حضرت قاسم علیه‌السلام از عمویش امام حسین علیه‌السلام سؤال می‌کند آیا من هم فردا شهید می‌شوم ؟ و در اینجا وصیّتی از پدرش امام حسن مجتبی علیه‌السلام را یادآوری می‌کند . امام حسین علیه‌السلام در جواب به او مژده شهادت می‌دهند و در ضمن به او چنین می‌گویند : پدر تو وصیّت دیگری داشته است و طبق آن از من درخواست نموده یکی از دختران خود را به عقد تو دربیاورم . امام حسین علیه‌السلام برای انجام این وصیّت صیغه عقدی را جاری می‌کنند . حال سؤال این است که آیا نقل چنین قضیه‌ای از قداست حادثه کربلا می‌کاهد و آیا نیاز است در مقابل این قضیه موضع نقدی اتخاذ کنیم ؟ آنچه که مسلم و قطعی است این است که این عقد همراه با اظهار سرور و شادی (بز و بکوب) نبوده است . گرچه بعد از مدتی در میان بعضی از اعراب مرسوم شد که برای حضرت قاسم علیه‌السلام حجله بندی کرده و این گونه اعمال مسلماناً از شنون و مقام عزاداری سیدالشهداء علیه‌السلام به دور می‌باشد و باید با آن به مقابله برخاست .

نتیجه اینکه تیزیابی و دقت در نقل تواریخ مخصوصاً حادثه کربلا امری ضروری به نظر می‌رسد. اما به کاربرد تمام امت در مبارزه با مسائل جزئی و ناچیز ضروری به نظر نمی‌رسد. بعضی از مقاتل در نقل واقعه عاشورا دچار اغراق گوئی و غلو شده‌اند که با این گونه اغراق گوئی و غلوها باید به شدت برخورد کرد مانند اینکه تعداد لشکریان دشمن را نزدیک به دو میلیون نفر می‌دانند و اقوال دیگری و بیشتر هدف آنها اسطوره سازی بوده تا بگویند مثلاً صدهزار نفر از این تعداد به دست امام حسین علیه‌السلام و یاران وفادارش به هلاکت رسیده‌اند. و آنچه که از شهید مطهری و مرحوم آیتی عجیب و بعید به نظر می‌رسد این است که این دو بزرگوار به تبع فرهاد میرزا (شاهزاده قاجار) ورود اسرا به کربلا را در روز اربعین نفی کرده‌اند.

در سال‌های اخیر تاریخ را به تاریخ مکتوب و غیر مکتوب (شفاهی) تقسیم می‌کنند و به اصطلاحی شناخته شده تبدیل گردیده است. در مورد واقعه عاشورا نیز دو نوع تاریخ موجود می‌باشد.

1- تاریخ مکتوب: منابع موجود در مورد واقعه عاشورا منابع محدودی می‌باشد نزدیک‌ترین مقتل از نظر زمانی به صدر اول مقتل ابی مخنف می‌باشد و بعد از آن ارشاد شیخ مفید قدس‌سره و بعد از آن فتوح ابن اعثم می‌باشد.

2- تاریخ شفاهی و غیر مکتوب: به دلیل حساسیت‌های موجود از طرف حاکمیت‌ها کسی جرأت نوشتن وقایع عاشورا را داشت و تنها به صورت شفاهی در محافل‌ها و دیدارها برای یکدیگر نقل می‌نمودند. حکومت‌ها از آشکار شدن حق و حقیقت ترس و واهمه داشتند، لذا نگرارش این مطالب بدون اجازه دستگاه حکومت جرم محسوب می‌شد. این محدودیت‌ها در زمان حکومت بنی امیه و بنی مروان و حتی بنی العباس مشاهده می‌شود.

شاهد این مطلب کتاب سلیم بن قیس می‌باشد. سلیم مطالب کتاب خود را از سلمان تلقی نمود. و به دلیل فشارهای دستگاه حکومت آن را در خراسان به دست شخصی به امانت سپرد. بعد از قرن‌ها و از بین رفتن فشارها و محدودیت‌ها این کتاب منتشر می‌شود.

سخن ما چنین است که اگر مطلبی در یکی از مقاتل یافت نشد و مکتوب نبود نمی‌توان آن را جعلی و دروغ دانست بلکه ممکن است جزء تاریخ شفاهی باشد که سینه به سینه به دست ما رسیده است. خلاصه سخن آنکه مکتوب نبودن واقعه‌ای دلالت بر جعل و ساختگی بودن آن ندارد. البته قواعدی موجود می‌باشد که باید صحت و سقم آنچه که به خاندان رسالت علیهم‌السلام نسبت داده می‌شود با آنها سنجیده شود. مثلاً اگر سخنان و مطالبی به امام حسین علیه‌السلام نسبت داده شود که با عصمت ایشان یا با شخصیت و شاکله ایشان که مجموعه‌ای از فضائل هستند یا با مناعت طبع و عزت ایشان سازگار نباشد این گونه مطالب قطعاً جعل و دروغ می‌باشد و باید به سختی با آنها به مبارزه پرداخت.

نکته پایانی اینکه به دلیل فشارهای زیاد از سوی حکومت‌ها بود که چند قرن بین حادثه کربلا و تدوین مقتل ابی‌مخنف فاصله شد، و کسی این فشارها را درک نمی‌کند مگر اینکه در همان شرایط حضور داشته باشد. به هر جهت بعضی از تحریفات از اهمیت آن چنانی برخوردار نیستند که تمام همت در دفع این شیئات قرار بگیرد در حالی که بیشتر کسانی که در سال‌های اخیر به رد تحریفات پرداخته‌اند وقت خود را در دفع اینگونه شیئات تلف کرده‌اند.

شهید مطهری در اظهار نظری می‌فرماید: تحریفاتی از ناحیه دشمن و حکومت‌ها صورت گرفت ولی تاریخ و مورخین تحت تأثیر آنها قرار نگرفتند. این سخن قابل مناقشه می‌باشد. زیرا تاریخ مخصوصاً تاریخ اهل سنت سرشار از انحرافات است که دستگاه حکومت آنها را بر مورخین تحمیل نمود. ولی می‌توان گفت شهید مطهری تاریخ محدود و خاصی مانند تاریخ شیعه را مدنظر داشت که تحت تأثیر حکومت‌ها قرار نگرفت و می‌توان گفت یکی از دلایلی که حکومت‌های ستمگر نتوانستند در تحریف تاریخ عاشورا موفقیت چندانی کسب کنند هیاهو و سر و صدا زیاد آن وعزاداری‌های مردم بوده است.

دانشمندی از اهل سنت به علامه امینی می‌گوید چرا واقعه عاشورا در بین شیعیان دارای اهمیت خاص و دارای هیاهو و سر و صدا زیاد می‌باشد؟

علامه امینی قدس‌سره در جواب می‌فرماید: همین هیاهو و سر و صداها بوده که راه خیلی از انحرافات و تحریفات را در واقعه عاشورا مسدود نمود و اگر واقعه عاشورا دارای این خصوصیت نبود مانند واقعه غدیر به راحتی مورد انکار قرار می‌گرفت. وظیفه‌ای که در این زمان همگان را در بر می‌گیرد از جمله خطباء، مؤلفین و علماء حفظ این هیاهو و سرو صدا می‌باشد، تلاش جدی را در این عصر باید آغاز کرد تا بتوانیم واقعه عاشورا را با همین اهمیت و هیاهو به نسل بعد انتقال دهیم.

امام خمینی قدس‌سره در سخنی فرمودند: هر مکتبی احتیاج به هیاهو و جار و جنجال دارد و جار و جنجال اسلام ماجرای عاشورا می‌باشد. این سخن بسیار به جا و پر معنی می‌باشد، زیرا همه مکاتب فکری برای بروز و ظهور خود و همچنین اعلام حضور خود نیاز به اسباب و ابزار دارند. و بهترین وسیله برای اسلام برگزاری مراسم عزاداری سیدالشهداء علیه‌السلام می‌باشد. هر ملت و قومی برای اعلام حزن و اندوه خود روش خاصی دارد. مثلاً زندهای عرب برای اعلام حزن و اندوه بر سر و صورت خود لطمه می‌زنند، ولی این روش در زندهای ایرانی مرسوم نیست. عکس العمل کشورهای غربی نیز در برابر مصیبت‌ها بسیار متفاوت می‌باشد. عکس العمل‌ها در زمان‌های قدیم با عصر حاضر نیز متفاوت می‌باشد، مثلاً در شهادت امام حسن مجتبی علیه‌السلام هفت روز بازارهای مدینه تعطیل بود. لباس سیاه پوشیدن در

عزاداری‌ها نیز نوعی سنت می‌باشد با اینکه پوشیدن لباس سیاه مکروه است ولی به خاطر اهمیت و تکریم عزاداری سیدالشهداء علیه‌السلام و دیگر امامان

علیهم‌السلام تحت تأثیر قرار می‌گیرد لذا هنگامی که امیرالمؤمنین علیه‌السلام به شهادت رسیدند، امام حسن مجتبی علیه‌السلام به مسجد آمده و خطبه‌ای خواندند؛ درحالیکه (علیه لباس اسود) لباس سیاه پوشیده بودند. ایرانی‌ها به پیروی از هندی‌ها برای عزاداری‌های خود علم برمی‌دارند و نسبت به آن احترام و تکریم می‌کنند، همچنین بعد از آل بویه و صفویه بعضی از اقوام ایرانی کتّل با خود حمل می‌کردند (پرچمگردی که روی چوب قرار می‌گیرد).

سخن در این مطلب است که این اواخر بعضی از افراد نسبت به روش‌های عزاداری حساسیت نشان می‌دهند و بعضی از این روش‌ها را تحریف می‌دانند؛ در حالی که سؤال این است که آیا نحوه عزاداری خاصی در روایات وارد شده است یا خیر؟ البته بعضی از روش‌های موجود در میان عرف مردود می‌باشد؛ مانند داستانی که شهید مطهری نقل می‌کند که شخصی برای اینکه شنوندگان خود را به گریه وادار کند میان آنها سنگ پرتاب می‌کرد و از این طریق داد و فریاد مردم به گوش می‌رسید. اگر نحوه‌ای از عزاداری مشاهده شد که با اصول و قوانین شرعی مخالف نبود وظیفه همه می‌باشد که به جای حساسیت، آن را تشویق کنند.

در روایتی آمده است: «كُلُّ الْجَزَعِ وَالْبَكَاءِ مَكْرُوهٌ خِلا الْجَزَعِ وَالْبَكَاءِ عَلٰى الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.»

هرنوع شیون و زاری مکروه می‌باشد مگر شیون و زاری برای سیدالشهداء علیه‌السلام.

هر فعلی که مصادفی از جزع و بکاء شد ممنوعیت شرعی ندارد بلکه دارای مطلوبیت می‌باشد.

حتی اگر موکندن و لطمه زدن باشد چنانکه در میان زندهای عرب مرسوم می‌باشد، پدید آوردن‌گان واقعه عاشورا چنان زمینه‌ای فراهم کرده بودند ه مردم کشتن

سیدالشهداء علیه‌السلام را کار خوبی محسوب می‌کردند و آن را عملی ممدوح و مستحسن می‌شمردند. همین افراد زمینه‌هایی رافراهم کردند که ملت‌های امروزی هم قتل سیدالشهداء علیه‌السلام را امری ممدوح می‌شمارند.

این تیمیه هنگامی که واقعه عاشورا را تجزیه و تحلیل می‌کند؛ اولاً انکار می‌کند؛ اولاً انکار می‌کند که این کار به دست یزید انجام گرفته باشد و ثانیاً می‌گوید بر فرض که یزید در این کار دخیل بوده است کار خوب و پسندیده‌ای را انجام داده است! زیرا او با این عمل از تشنّت و افتراق مسلمانان جلوگیری کرده است زیرا عمل حسین بن علی علیه‌السلام

نوعی تفرقه افکنی میان صفوف مسلمانان به شمار می‌رفت .

غزالی نیز چنین می‌گوید بر فرض اینکه این واقعه به دستور یزید انجام گرفت ولی کسی حق لعن و نفرین او را ندارد ؛ زیرا ممکن است از این عمل خود توبه کرده باشد و او اعمال حسنه و نیکی انجام داده باشد . و به آیه ذیل استناد می‌کند: «إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُدْهِنُ السَّيِّئَاتِ» .

به درستی که اعمال نیک زشتی‌ها را نابود می‌کند .

شاید منظور غزالی از کارهای خوب یزید سنگباران کردن و تخریب خانه کعبه و به وجود آوردن واقعه حرّه باشد !

یکی از عجیب‌ترین تحریفات واقعه عاشورا تحریفی است که از سوی علمای متصوفه مطرح شده است . عبدالقادر گیلانی (سنّی مذهب) واقعه عاشورا را از دید عرفانی می‌نگرد و می‌گوید : خداوند برای سبط پیامبر در این روز شهادت را مقدر کرده بود حال که سیدالشهدا علیه‌السلام به هدف و مقصودش نائل شد باید این روز را روز شادی و سرور قرار دهیم .

در ادامه می‌گوید : روزه روز عاشورا مستحب است و تعجب از شیعیان است که چرا در این مورد ما را مورد سرزنش و طعن قرار می‌دهند . این سخن ، کلامی است که به تازگی در ایران و در ذهن جوانان شیوع پیدا کرده و حتی یکی از سخنرانان عرفان مسلک این تحریف را در رسانه ملی مطرح می‌کند و آن را سخن خوبی می‌پندارد .

شبیهات زیادی در واقعه عاشورا مطرح می‌شود که باید به آنها پاسخ داد . از جمله اینکه چرا حسین بن علی علیه‌السلام ایجاد تفرقه کرد ؟ با اینکه ایشان می‌دانستند با این تعداد یاران کم حتماً به شهادت می‌رسند پس بهتر بود راه دیگری را برای مقابله با دستگاه حکومت انتخاب می‌کردند و دیگر شبیهات .

تحریف در واقعه عاشورا از چه زمانی میان اهل تشیع رواج پیدا کرده و این تحریفات توسط چه اشخاصی و گروه‌هایی مطرح شده ؟

ائمّه علیهم‌السلام يك به يك بر زنده نگه داشتن ارزش‌های عاشورا تأکید فراوان داشتند و همه این تأکیدات برای مقابله با فرهنگی بود که عاملان واقعه عاشورا آن را قبل و بعد از واقعه عاشورا پیش بینی کرده بودند ؛ پس می‌توان گفت : برنامه تحریف قبل از واقعه عاشورا برنامه ریزی شده بود . مردم کوفه کسانی بودند که حکومت

امیرالمؤمنین علیه‌السلام را درک کرده بودند و طعم عدالت را چشیده بودند ولی حکومت وقت از نظر فرهنگی چنان برنامه ریزی کرد که کشتن امام حسین علیه‌السلام در اذهان آنان يك فریضه به شمار می‌رفت و شعار آنان چنین بود :

لاترتابوا في قتل من مرد عن الدين وخالف الإمام : در کشتن کسی که از دین خارج شده شك نکنید و با امام به مخالفت برخاسته است . مخالفت از دستورات حاکم را خروج از دین می‌پنداشتند ، لذا توجیه محکم و استواری برای قتل امام حسین علیه‌السلام یافته بودند . روایاتی که در اقامه مجالس امام حسین علیه‌السلام تأکید فراوان دارد ؛ مانند روایات کتاب کامل الزیارات از جمله روایتی که امام باقر علیه‌السلام فرموده‌اند :

« اگر کسی اقامه عزا برای سیدالشهدا علیه‌السلام کند ، من ضامن او هستم که ثواب و اجر دو میلیون حج مقبول و دومیون عمره مقبول و دو میلیون غزوه همراه با رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای او در نظر گرفته شود . » . تمام هدف این روایات جلوگیری از این انحرافات و تحریفات بوده است و گویا به ما دستور می‌دهند اصل انگیزه سیدالشهدا علیه‌السلام را در این واقعه روشن و تبیین کنیم تا باب هرگونه شبهه مسدود شود . تحریف کنندگان هم کسانی هستند که طرفدار مکتب خلافت و عدالت صحابه می‌باشند . لذا جهت توجیه عمل یزید این کار را از او منتفی می‌دانند و تمام تقصیرات را به عهده عبیدالله بن زیاد می‌اندازند ، زیرا می‌دانند اگر عمل یزید مورد سرزنش قرار بگیرد گویا معاویه سرزنش شده و همین طور تک به تک خلفا و صحابه زیر سؤال می‌روند و این سرزنش‌ها با مکتب جعلی و ساختگی آنان یعنی خلافت و عدالت صحابه سازگار نمی‌باشد . لذا ائمّه علیهم‌السلام بر برپایی مجالس سیدالشهدا علیه‌السلام تأکید فراوان داشتند تا به این وسیله جزء به جزء وقایع بیان شود تا دنیا طلبان و قدرتمندان بدانند اعمال آنها از دید واقع گرایان مخفی نمی‌ماند و آنها نمی‌توانند هر جرم و جنایتی در تاریخ مرتکب شده و بعد ادعای خوش نامی کنند . بعضی از مورخین ادعا می‌کنند که شبهه افکنی پی در پی وهابیت و دشمنان تشیع باعث شده بعضی از واقعیتها رنگ و بوی تحریف به خود بگیرد ، حال سؤال این است که آیا این شبهه افکنی‌ها به حق است یا جریان سازی است ؟ و آیا این حرکت سیر نزولی داشته و یا صعودی ؟

مسلماً هرچه شیعه رشد و تقویت پیدا کند در نقطه مقابل دشمنان شیعه فعالیت خود را گسترده‌تر می‌کنند ولی شیعیان هرگز از فعالیت دشمنان ترس و واهمه ندارند ؛ چون دارای پشتوانه استوار علمی و دینی در میانی اعتقادی و تاریخی می‌باشند . در سالهای اخیر کتابهای فراوانی در تأیید یزید بن معاویه توسط وهابیان و صاحبان قدرت نگاشته و توزیع گردیده است . همچنین کتابهایی هرسال از کشورهای عربی مخصوصاً عربستان ، به زبان فارسی یا عربی بین شیعیان و مسلمانان توزیع می‌گردد ، که با دقت و بررسی در این کتب به این نتیجه می‌رسیم که دشمنان حرفهای نو و تازه‌ای از خود ابداع نکرده‌اند ، بلکه همان سخنان ابن تیمیه را تکرار کرده‌اند و تنها آن را به زبان امروزی بیان می‌کنند . حتی محمد بن عبدالوهاب مؤسس آیین وهابیت از خود سخنان تازه‌ای ابداع نکرد ، بلکه همان سخنان ابن تیمیه را مطرح کرد و وهابیت از قدرتهای مالی حکومتی چون عربستان و مخصوصاً کشورهای غربی و استعمارگر (چون هدف آنها تخریب عقاید حق و واقعی است) نهایت استفاده را برده و اهداف خود را به گوش تمام جهانیان می‌رسانند . پس می‌توان گفت حرکت آنها سیر صعودی داشته ولی شیعیان هرگز از فعالیت آنها ترس و واهمه‌ای ندارند . نکته لازم به ذکر این که ، دشمنان تشیع همچنین علاوه بر تحریف در فرهنگ و واقعیت‌های عاشورا ، از حربه ترور و آزار عزاداران حسینی بهره‌مند می‌برند . طبق اخبار موجود عزاداران سیدالشهدا علیه‌السلام در پاکستان همواره قرار گرفته‌اند ، همچنین در تربت جام نرنجکی میان عزاداران پرتاب شد که در پی آن يك نفر از هموطنان به شهادت رسید .

چه افراد و یا گروه‌هایی برای مقابله با تحریفات مناسب هستند و چه شیوه‌هایی مؤثرتر می‌باشد ؟

مقابله با تحریفات در مرحله اول وظیفه علما و دانشمندان شیعه و در مرحله بعد خطباء می‌باشد . اما چون خطباء اکثراً ناقل می‌باشند ، باید مطالب را از صاحبان فکر و اندیشه در رشته حدیث و تاریخ دریافت کنند و سپس برای مردم بیان کنند . مجالس روضه عاشورا و ماه محرم نیز بهترین زمان برای مقابله با تحریفات و پاسخ گویی به شبیهات می‌باشد . طبق آمار در اکثر کشورهای جهان حتی کشورهای غربی در ماه محرم مجالس عزاداری برپا می‌شود البته نباید به این مجالس اکتفا کرد بلکه باید تمام امکانات مادی و معنوی را در این زمینه به کارگرفت و از رسانه‌های ارتباطی مانند رادیو ، تلویزیون ، سایتهای اینترنتی ، ایستگاههای ماهواره و... بهترین استفاده را برد .

البته در این زمینه وظیفه دولتهای شیعی و قدرتها ، سنگین‌تر است زیرا باید به کمک صاحبان فکر و اندیشه بیابند و آنان را در نشر و ثبت فرهنگ عاشورا یاری دهند ، تنها باید در این مطلب دقت کنیم که با دخالت دولتها ، مقابله با تحریفات ، جلوه سیاسی پیدا نکند بلکه فقط جلوه دینی و اعتقادی داشته باشد .

دخالت نهادهای دولتی و حکومتی در مقابل تحریفات را چگونه ارزیابی می‌کنید ؟

دخالت نهادهای دولتی مانند نیروی انتظامی در صورتی که از منابع فرهنگی تغذیه شوند و آموزش دیده باشند مشکلی ندارد . به این صورت که نباید با هر نوع عزاداری ، به نام تحریف مقابله کنند ؛ بلکه باید منبع معتبر و مطمئن (مانند علماء) تحریف بودن آن مورد تأیید کنند . دخالت نهادهای حکومتی نیز به شرطی که ذکر شد مانعی ندارد .

البته اگر نهادهای حکومتی؛ علماء و خطباء را از نظر مالی و سرمایه‌ای (جهت سرمایه‌گذاری در رسانه ملی، اینترنت، ماهواره‌ها و...) تأمین کنند فعالیت علماء بازدهی بیشتری خواهد داشت. زیرا واقعه عاشورا از مظلومیت خاصی برخوردار است که تنها با بیان آنها دل انسانهای حق‌بین به درد خواهد آمد.

یکی از راههای شناخت تحریفات تمییز حق از باطل می‌باشد، این تمییز به عهده چه کسانی است؟

کسانی قدرت تمییز دارند که در علم تاریخ و حدیث و علوم مرتبط صاحب نظر باشند. تمام رشته‌های علمی دارای مجتهد صاحب نظر است به این معنی که رشته پزشکی، فیزیک و... دارای مجتهد است، آنچه در این مورد نیاز است مجتهد در فقه به تنهایی نمی‌باشد، بلکه باید در تاریخ مجتهد و کارشناس داشته باشیم. آنچه که مسلم است این که تاریخ تحت اشراف قدرتها نگاشته شده است، بنابراین از واقعیت به دور است و به نفع قدرتها می‌باشد و به دست آوردن حق از میان این همه حق کشیها و ابطال کار بسیار مشکلی است که از عهده هرکس برنمی‌آید، پس نیازمند به متفکرین و کارشناسان خیر و آگاه هستیم.

آیا با برخوردهای حذفی در برابر آنچه که تحریف نامیده می‌شود، موافق هستید؟

اگر مکتبی دارای پشتوانه قوی علمی باشد به طوری که بتواند به راحتی از راه برهان و دلیل مدعای خود را اثبات کند، قطعاً نیازی به روشهای نامطلوب نخواهد داشت. زیرا در بیشتر موارد دیده شده است که برخوردهای حذفی و نامطلوب اثر منفی برجای گذاشته است و حس لجاجت را در دیگران برانگیخته است. بهترین راه فعالیت‌های فرهنگی و برخوردهای صمیمانه و عاطفی می‌باشد.

آیا برای بیان تحریفات می‌توان نهاد مشخص و مخصوصی را مسئول دانست؟

در مرحله اول این مسئولیت به طور مستقیم به عهده علماء و مراجع تقلید می‌باشد و در غیر این صورت علماء باید افرادی را جهت این وظیفه معین و معرفی نمایند. این مسئولیت، آنقدر خطیر می‌باشد که حتی سخنرانان و خطباء و روضه خوان‌های باسابقه از عهده آن بر نمی‌آیند. زیرا این افراد غالباً ناقل می‌باشند. حتی مرجعیت فقهی تنها کافی نیست بلکه باید مرجعی باشد که در تاریخ نیز خیره و کارشناس باشد. مرحوم شوشتری یکی از نمونه‌های بارز مقابله کنندگان با تحریفات بودند ایشان خطیب توانا و ارزشمندی بودند که بر تاریخ و وقایع عاشورا احاطه وافیه و کافی داشته‌اند.

ایت الله یثربی

شیعه نیوز